

## پرسش و پاسخ های فصل اول، جلسه اول

\*\*\*\*\*

۱. کاش توضیح بیشتری درباره خلقت خود زمین داده می‌شد، یعنی اول کره زمین آفریده شده بعد آسمانها؟ این موجودات چند سال روی زمین زندگی کردند تا خلقت انسان؟ خوراک اینها چی بوده و چطور زندگی میکردند؟ بهشت و جهنم قبل از زمین آفریده شدند؟ حضرت آدم در کجا آفریده شدند که بعد به زمین هبوط کردند؟ وقتی انسان خلق شد، اون موجودات قبلی هنوز هم روی زمین بودند یا نه؟ آیا جنیان از آتش جهنم خلق شدند؟ این آسمان و فضایی که کره زمین و بقیه سیاره ها در اون هستن همون آسمون اول محسوب میشن؟

پاسخ: ما در مورد عوالم و ارتباطاتشون در طول ترم های بعد مفصلاً بحث هایی رو داریم که در خدمت شما خواهیم بود. اگر می‌خواستیم در گام اول وارد خلقت زمین و مخلوقات دیگر بشویم طبعاً ممکن بود برای عام مخاطبین ملال آور باشه و در عین حال هم ما بحثمون رو در رابطه با روایت انسان و انسان در نظر گرفتیم. لذا سعی می‌کنیم کمی از این بحث ها به صورت اجمالی عبور بکنیم و تفصیل بحث رو به انسان بپردازیم. بله ماده اولیه تشکیل دهنده جنیان و شیاطین از آتشفشانهاست که انسان از خاک هست و به همین دلیل اونها به راحتی امکان ارتباط با کرات دیگه و کهکشان های مختلف رو دارند و اون موانعی که ماها داریم مثلاً برای اکسیژن و... برای اجنه هیچکدام مشکل آفرین نیست. بله همه این ها آسمان اول محسوب میشه و در آسمان های بعدی از ماده دیگری، تاجایی که می‌رسیم به جایی که مجرد از ماده و اینها و زمان و مکان خواهد بود. آنچه که می‌بینیم و قابل حس است و اینها، همه آسمان اول است.

۲. اینکه در مباحث تاریخی، از دایناسورها گفتن که روی زمین زندگی می‌کردند؟ وجود داشتند یا نه؟ و اینها کجای تاریخ زمین جا دارن؟

پاسخ: در مورد دایناسور ها بنده یک مطالعه ای داشتم، ربطی به روایت انسان نداره ولی مطالعه ای که داشتم، نشون میده بسیاری، یعنی تقریباً ۹۹ درصد اسکلتهایی که به ما نشون میدن، اسکلتهایی است که ساختگی است و منشأ خارجی نداره و اونهایی هم که داره تیکه هست و روی هم رفته بیشتر به یک تخیل می‌ماند تا به یک حقیقت تاریخی.

۳. من متوجه طبقات مختلف زمین نشدم. یک جا هم در روایت حضرت علی میگن پریان رو در میانه و پشت زمین جا داد. تصور ما از زمین چی باید باشه یا از آسمان؟ یعنی

اسمان ها و کهکشان ها رو کلا باید جزو زمین به حساب بیاریم؟ و طبقات مختلف اسمان اصلا متوجه نمیشم! یا مثلا کره ی زمین رو زمین میدونیم. و هرچه قدر به سمت هسته زمین بریم میشه طبقات زمین؟ یا اینکه هیچ ربطی نداره و صرفا حالت روحانیه؟

پاسخ: یا منظور طبقات مادی نیست. اگر هم باشه مثلا اجنه و شیاطین در دما های بالا و زمین های خاص راحت تر زندگی می کنند تا در زمین های درختی و سرسبز و جنگل و آب و اینها.

۴. طبق صحبت های دو جلسه گذشته ایشون فرمودند که انسان های اولیه قبل از خلقت حضرت آدم بوده میخواستم بدونم واقعا انسان بودن یا از نوع موجودی دیگری بودن؟ و اگه تصاویری که توی غارها میکشیدن و خط میخی مربوط به همون انسانها بوده پس یعنی عقل و روح داشتن و حضرت آدم اولین انسان نبوده پس چرا گفته میشه حضرت آدم اولین انسان بوده اگه ممکنه بپرسین واسم و سوال دیگه م اینکه حیوانات روح دارن یا خیر

پاسخ: موجودات شبیه انسانی که قبل از انسان آفریده شدند. یا فاقد اختیارن و فقط دارای روح حیوانی هستند شبیه بهائم. یا اگر هم از روح غیر حیوانی مختارانه ای برخوردارند، شان و شرافت و ظرفیت اون روح، از ظرفیت شرح صدری که خدا در انسان به واسطه نفخت فیه من روحی آفریده خیلی پایین تره. بنابراین به واسطه داشتن این ظرفیت توسط انسان این آدم که ابوالبشره می شود اشرف مخلوقات. حیوانات، روح حیوانی که رشد و نمو می کنه و در یک سطحی اختیار نازلی داره که خدارو پرستش می کنه دارند اما اون روح انسانی که دارای ظرفیتی است که امکان علم به اسماء داره و امکان خلیفه الله شدن اگر بخواد رو دارد، هیچ موجودی جز انسان از او برخوردار نیست.

۵. بنده از ابتدای دوره روایت انسان یک سؤالی برایم پیش آمده منتظر بودم در ادامه شاید پاسخ سؤالم را بگیرم ولی دیدم که ادامه مباحث از این موضوع فاصله می گیرند. اینکه ارتباط حارت با عزازیل چیست؟ ممنون میشوم پاسخ داده شود.

پاسخ: ابلیس. حارت. عزازیل. شیطان همه یک نفر هستند.

۶. از این که استهزاء و تمسخر یک روش پرتکرار معاندان تمام پیامبران خدا هست و از طرفی، کار ابلیس هم در اون ۴۰ سال که جسم آدم (ع) در حضور ملائکه بود، تمسخر آدم (ع) بود؛ می شه نتیجه گرفت که ویژگی های روانی انسان و شیطان یکی هست؟ یا مثلا شیطان یک طوری باعث می شه که طرفدارانش رفتار او رُ تقلید کنن؟ (در جلسه)

پنجم هم به اشتراک «حسادت» در انسان و ابلیس اشاره می‌شود اما من متوجه نشدم که دقیقاً علتش چیست.

پاسخ: بله. به این معنا کاملاً دریافت صحیحی است.

۷. نام همسر شیطان را هرچه گوش دادم نفهمیدم: سرنوشت آن چه شد؟!

پاسخ: ما نام همسر شیطان رو ندادیم و نگفتیم و نمی‌دانیم حتی دقیقاً چی هست اما می‌دانیم که همسر و فرزندان و نوادگانی داره.

۸. گفتید بعد دستور خدا برای جدایی فرشتگان از پریان و نسناس گناهکار، شیطان به آسمان اول راه یافت و کم‌کم محبوب‌تر شد؛ آن‌طور که کسی به رزومه قبلش‌اش نگاه نکرد. چه بود این رزومه؟ بد بود مگر که این‌طور گفتید؟

پاسخ: نه نگفتیم به رزومه قبلیش نگاه نکردند. آدم خوبی بود بالا ولی خدا می‌دانست که کان من الکافرین و ظرفیت بدی رو داره در خودش اما اون رو قبل از ارتکاب به جنایت حکیمانه نیست که بخوان مجازات بکنند

۹. مطابق نقشه جلسه اول، آیا حارث یا ابلیس جزء پریان هست، یعنی پریان همان اجنه هستند؟

پاسخ: نخیر. پریان جزو ملائکه هستند و شیاطین و اجنه از یک دسته هستند.

۱۰. عزازیل از شیاطین بود که به عالم بالا رفت، من تفاوت حارث و عزازیل را متوجه نمیشم، یعنی از همان زمانی که پریان و نسناس سرکش از بین رفتند، باقیمانده شدند اجنه مانده از مارج و مارجه؟

پاسخ: عزازیل و حارث یکی اند و دو اسمند برای یک فرد. مارج و مارجه رو فرد بودند که با هم ازدواج کردند و جان به وجود آمده از طایفه جان، اجنه و شیاطین متولد شدند. یعنی همه این‌ها یه سری جن اند و باهم زاد و ولد می‌کنند.

۱۱. یک نکته ای که برای من مبهم ماند این است که زمان دقیق خلقت جن کی بود؟ من از فحوای صحبت‌های جناب نخعی این‌گونه فهمیدم که جن بعد از خلقت فرشتگان و قبل از خلقت نسناس و پری‌ها خلق شده، من درست فهمیدم؟

پاسخ: در این مورد که دقیقا اجنه مقدم بر فرشتگان آفریده شدن یا نه دلیل روشنی نداریم. به هر حال می‌تونیم بر اساس این مطلب که موجودات روحانی و مجرد عموما از جهت خلقت مقدم بر موجودات مادی هستند و از طرفی میدانیم، که اجنه موجودات مادی هستند و ماده‌المواد اونها آتش هست، میتونیم به صورت کلی استدلال کنیم ملائکه قبل از اجنه آفریده شدند. درمورد نسناس نمیدانیم که آیا اونها همزمان با اجنه بودند آیا بعد از اجنه بودند یا نه. پریان هم ملحق به طایفه فرشتگان اند و یکی از اون طایفه هستند.

۱۲. استاد گفتند که جان (احتمالا همان جن)، از ازدواج موجودی به نام مارچ و مارجه بوجود آمده است. ایشان درباره خصوصیات مارچ و چگونگی خلقت وی و . . . توضیح ندادند. نکته دیگه این که چرا خداوند جن را مستقیما خلق نکرد و آن را از نسل مارچ بیافرید؟ اصلا چرا فرزند مارچ و مارجه یک موجود دیگر باید باشد و چرا نباید شبیه به والدین خود باشد؟

پاسخ: بله. دلیلش رو ما نمی‌دونیم فقط می‌دانیم اون طایفه ای که عزازیل از او متولد شده یعنی جان، پدر اولیه شون محصول ازدواج مارچ و مارجه بوده و خب اطلاعات چندانی داریم نه می‌توانیم بخشی از اطلاعات رو به دست بیاوریم. دوره هم روایت انسان است لذا زیاد در مورد تاریخچه اجنه نمی‌پردازیم الا در مواردی که باهاشون کار داریم که جلوتر قدری دربارشون بیشتر توضیح خواهیم داد.

۱۳. لطفا درباره خلقت جن و چرایی خلقتش، این که هدف از خلقت وی چه بوده و مانند آن بیشتر توضیح بدهید؟

پاسخ: هدف از خلقت اجنه و شیاطین هم همون علتی بوده که برای انسان در نظر گرفته بوده. موجود مختاری که بتواند بخشی از توسعه و سعادت رو برای خودش محقق بکنه. اگر نمی‌آفرید این موجود رو یا به خاطر ضعف پروردگار در آفرینشش بود یا بخل پروردگار از دادن شان حیات به این موجود بود و در هر دو مورد ما می‌دانیم که خداوند از هرگونه بخلی و وضعی در آفرینش مبرا است.

۱۴. درباره عوالم هفت گانه زمین و خصوصیات آن بیشتر توضیح بدهید؟

پاسخ: چون که الان ممکنه یه قدری درگیر اونها بشیم و از روایت انسان عبور بکنیم. ان شاءالله جلوتر اندکی به فراخور به ماجرای خلقتشون خواهیم پرداخت.

۱۵. درباره پریان و این که الان ارتباط آن ها با زمین قطع است یا خیر توضیح بفرمایید.  
پاسخ: پریان منظومون طایفه ای از طوایف فرشته ها هستند که ارتباط اونها دائما با زمین در نظر گرفته شده با خدای متعال، هر کدامشان ماموری چیزی هستن و کاملا جزو اسباب اجرا و جریان اراده پروردگارند. تسبیح پروردگار می کنند و ابی الله ان یجری الامور الا باسبابها.

۱۶. تاریخ انسان با تاریخ قبلش متفاوته. اون چیزی که تاریخ تمدن میگه انسان هایی اولیه توی غار زندگی می کردند و بویی از تمدن نبرده بودند و کم کم به مواهب تمدن دست پیدا کردند. خدا از اول خیلی از این ها رو به آدم داده و صاحب اسماء بوده. من میخوام بگم اونایی که قبلش بوده چی بوده؟ همون نسناس بوده؟ اون چیزایی که باستان شناسا الآن دارن در میارن. چیزهایی که تو غار درمیارن کلا کشفیات باستان شناسی این ها رو ما چجوری باید تعبیر کنیم.

پاسخ: من یا یه وقتی باید یه توضیح مفصل در مورد باستان شناسی بهتون بدم یا یادم بندازید کتابی رو معرفی کنم که پارادایم های حاکم بر باستان پژوهی رو به صورت مفصل توضیح می دن. ما در باستان پژوهی دوتا اتفاق رو داریم. اتفاق اول این است که ما بتوانیم اون شیء که کشف میشود یا اون نقاشی که نگارش می شود در جایی، اون رو کشف رمز بکنیم و بگیم مال چه زمانی است. آنچه در اختیار ما هست الآن، آرمایش کربن ۱۴ هستش که طول عمر اشیاء رو به ما نشان میده. با این فرایند تابشی ما میتونیم احتمالا اثبات بکنیم که زمان تحقق این اتفاق در چه دوره زمانی است. این اولین کاره. در مورد اصل کارآمد بودن و واقع نشان دادن ماجرای کربن، خودش الآن مقالات جدی در نقدش نوشته شده و محل تردید. حالا وقتی ما اون شیء رو کشف کردیم مثلا مال ان سال گذشته. نکته بعدی این هست که بفهمیم و بدانیم که این شیء که پیدا شده در چه مناسبات انسانی قرار گرفته. مثلا این سفالی که پیدا شده به عنوان یک بت پرستش می کردند یا به عنوان لیوان آب استفاده می کردند. این دیگه در اون نیومده که. مجموعه بعضی از این تحلیل ها، گمانه ها و احتمالاتی است که ما رو به این معنا می رسونه، بنابراین اونها گزارش تاریخی نیست و تحلیلی و ظنی و گمانی است. از مجموعه این دو باهم می تونیم اون زمانه رو ترسیم بکنیم. یا اون خطی که به ما رسیده رو کشف رمز بکنیم. همه این اتفاقات با ابهامات جدی مواجه است. اما اگر ما فرض بر این بگیریم که این ها در نشان دادن زمان، تحلیل وقایع و بعد گزارش تمدنی از دوره ای که در او دارن حرف می زنن، صادق اند، آنگاه سوال ما و بحث ما این است که اگر قبل از ۷۵۰۰ سال باشه، این گزارش مربوط به نسناسه. اگر بعد از او دارن میدان احتمالا از یکی از اجتماعات انسانی است که در یک

نقطه ای زندگی کردند. ما بیش از این نمی‌تونیم از این کشفیات باستان‌شناسی، گزارشی رو بپذیریم.

۱۷. قبل از خلق فرشته‌های بالدار جوجودات دیگری هم بودند؟ در زمین یا آسمان؟  
پاسخ: حتما بودند ولی ما گزارش جزئی از اونها نداریم.

۱۸. پریان هم به همراه نسناس خدا را نافرمانی کردند؟ و نسناس کاملا از بین رفتند یا مثل پریان فقط گروه نافرمان شون نابود شدند؟  
پاسخ: پریان گروهی از ملائکه هستند، از سنخ موجودات ملکی هستند و همشون نابود نشدند و ایشون رفتند در عالم‌های دیگری ساکن شدند احتمالا.

۱۹. در کلام امام سجاد.ع. که در پرسش سوال: آیا فکرمی کنید خدا بجز انسان موجودات دیگری خلق نکرده، می‌فرمایند: خدا هزار هزار ادم افرید اینجا ک باز منظور از ادم همان انسان هست، نه موجودات دیگر!

پاسخ: امام موجودات شبیه آدم رو گفته و حالا این‌ها آیا در زمین زندگی می‌کنند یا جای دیگری گزارش دیگری به ما نرسیده و مشغول پژوهش در این باره هستیم. ای بسا باشد.

۲۰. ببخشید سوالی داشتم درمورد محتوای جلسه اول اینکه تمام نسناس‌ها از فرمان خدا سرپیچی کردن یا مثل پریان یک گروهی ازشون؟

پاسخ: آنچه که ما از ادله تاریخی و روایی مان به دست می‌آوریم، خیلی هم کمه این ادله، اینه که نسناس‌ها منقرض شدند. و دلیلش هم این بوده که از جریان هدایت پروردگار خارج شدند یا پروردگار تصمیم گرفته که موجودات دیگری رو جایگزین اونها بکنه اینکه آیا همه اونها سرپیچی کردند یا بخشی از اونها و بقیه به گناه اونها سوختند به صورت قطعی گزارش تاریخی یا روایی نداریم. آنچه که به صورت قطعی می‌دانیم این است که اون دسته از موجودات به طور کامل منقرض شده و موجود برتری به نام انسان در زمین جایگزین آنها شده. ان شاءالله موفق باشید.

۲۱. مگر خلقت آسمان مقدم بر خلق زمین نبوده است؟ استاد فرمودن اول زمین خلق شده است.

پاسخ: نخیر اشاره ای نداریم که خلقت انسان قبل از زمین بوده تبعا و ظاهرا خلقت زمین قبل از انسان بوده

۲۲. اینکه نساس همان جنیان هستند؟ ابلیس جز کدام دسته بود که به سمت آسمان رفت؟ و چطور رفت؟

پاسخ: نساس ها همان اجنه نیستند موجوداتی هستند که شبیه آدمند که نسل اونها در زمین منقرض شده و ابلیس هم جزو طایفه اجنه و شیاطینه که به علت عبادتی که انجام داد این شایستگی رو پیدا کرد که ارتقاء مکانت پیدا بکند و به آسمان ها برسه

۲۳. استاد فرمودن که خداوند اراده کردند و تصمیم درواقع گرفتند که انسان را بیافرینند. و این خبر رسوخ کرد بین موجوداتی که قبل از انسان وجود داشتند و اونها پیگیر شدند که این موجود چیه و ایا از بین ماست و.... که بعد از این ماجراها خدا انسان رو میافرینه. سوال اینه: ما میگیم که خواست و اراده خداوند در یک آن اتفاق میفته یعنی همین الان که بخواد همین الان میافرینه و خلقت انسان هم به همین شکل بوده. ولی طبق گفته استاد توی این صوت حالا خدا اطلاع داده که میخوام بیافرینم و حالا بعد از مدتی افریده. این جای سوال بود؟ لطفا اگر جواب بدن ممنون میشیم.

پاسخ: اراده پروردگار به دو نوع است: یکی اراده دفعی که اذا اراد شیئا ان یکون یقول له کن فیکون این یک جنبه و ساحت و حس از اراده پروردگار همان طور که شما گفتید، گاهی اراده پروردگار به نحو تدریجی است یعنی اصلا اراده کرده است که تدریجا چیزی را بیافریند و تدریج هم خودش شیئی است یعنی پروردگار گاهی اراده می کند که شیئی را دفعتا ایجاد کند گاهی اراده می کند آن شیئی تدریجا تحقق پیدا می کند لذا در اون حالت هم کن فیکون است یعنی تدریج کن فیکون اتفاق می افته و محقق میشه در یک مرحله. تحقق و ساخت انسان بر اساس همین روایات مرحله ایست و تدریجی است اراده خدا به این تدریج تحقق پیدا کرده لذا به اون مطلب هم ایرادی پیش نیامد. بهترین منابع که بخوام بهتون معرفی کنم یکی رساله انسان قبل از دنیا علامه طباطبایی ترجمه هم شده به نام انسان از آغاز تا انجام. یکی هم کتاب انسان و هبوط از آقای حمید پارسا نیا اگر این دو رو دیدید و پسندیدید کتاب رشحات البحار از استاد شاه آبادی

۲۴. تا بحال به ما گفتن که فقط انسان قدرت انتخاب و اختیار داره این موجودات که قبل خلقت انسان بودن چطور اولش مطیع خدا بودند بعدش نافرمانی تونستن بکنن؟! (اینجوری که اونا هم مختارن و هرطور دلشون بخواد رفتار میکنن مثل انسان)!

پاسخ: در مورد اختیار یک امر بسیطی نیست که بگیم یک موجودی یا کلا از او برخوردار و هرکاری دوست داشته باشه میتونه انجام بده یا کلا از اون برخوردار نیست و فاقد اختیاره پس هیچ کاری نمیتونه بکنه. ابتدائاً خدمت شما عرض می کنم همه موجودات عالم و همه آنچه موجوده و زنده هست هرکدامشان بخشی از اختیار را دارند قدری از اختیار را دارند این جمله اول. دوم این که هیچکس انقدر اختیار ندارد که هر کاری دلش می خواست بکند ما به این معنا نه معتقدیم نه امکان همچین چیزی وجود داره. انسان که دیگه از همه موجودات عالم به ظاهر توانمند تره و مختار تره هیچ چیزی نیست که بگیم همش رو میتونه انجام بده گاهی بعضی از کارها از عهدش برنمیاد و گاهی مجبوره در برخی از امور تابع قوانین تکوینی عالم باشه خود شما همین الان این امکان رو ندارید که به مدت ده روز غذا نخورید حتی اگر اختیار کنید. نمیتونید خودتون رو از ساختمان بلندی پرت کنید و اختیار کنید که نیافتید و جاذبه عمل نکنه یا خیلی از این موارد. نکته بعد اینکه که صحبت اصلی در این هستش که کدام یک از موجودات عالم ظرفیت و منزلت این رو دارند که از اختیار بیشتری پروردگار بتونه اونها رو برخوردار کنه که خب انسان این توان رو از دیگر موجودات بیشتر داره. اجنه بخشی از اختیار رو دارند نزدیکترین موجود از جهت اختیار به انسان اجنه هستند. نسناس هم قدری از اختیار داشته است. اون اصل کلی رو هم پس فراموش نمی کنیم که هیچ موجودی وجود نداره که کلا فاقد هرگونه اختیاری باشد.

۲۵. آیا میشود اینطور هم گفت که خلقت آنی اتفاق میفتد ما انسانها چون جسم مادی داریم و مکان و زمان برایمان معنا دارد پس اینطور نمایان میشه برایمان حوادث. وگرنه همه عالم در نزد پروردگار یک چشمیم برهم زدنی است؟ اگر اینجور هم تعبیر کردن درست باشه اونوقت با فرمایش شما یکم جوردرنمیاد پس اینکه شما فرمودید کلا درسته یا اینکه بنده عرض کردم هم میشه درست دانست؟ یا کلا تداخلی با هم ندارند؟ منظور از همه عالم همه ی این اتفاقات ودر این دنیا و آخرت و... همه که در نزد پروردگار چشم برهم زدنی است. ولی شاید این گفته ام یکم ایراد داشته باشد. ممنون میشم اشکالاش رو بفرمایید.

پاسخ: ببینید خدای متعال اراده اش قطعی است در این باهم تردید نداریم هم من هم شما اینو میگیم. این که به صورت عینی و تعینی این اراده خداوند به چی تعلق گرفته نشون میده که آیا ما با تدریج زمانی مواجه هستیم یا نه. اگر اون اراده خداوند در نشئه ملکوت عالم باشد لاجرم دفعتی است. یعنی اصلاً نمیشه دفعتی نباشه. اما اگر



در عالم ماده باشد اصلا لاجرم تدریجی است اراده خدا. به معنای این که به وقتی خدا اراده تحقق یک مادی کرده ها. خوب توجه بکنید اراده تحقق یک امر مادی کرده. یعنی اراده تحقق یک تدریج را کرده در عالم. بله گاهی میتونه قواعد عالم رو دور بزنه و تحقق دفعی ایجاد کنه بهش میگن معجزه یا خرق عادت. یعنی از عادت تکوین مادی خارج می شه اون وقت. دلیل داره ولی اون خروجه چون استثناءه باید با به دلیلی در نظر بگیریم. در مورد خلق انسان نخواستنه اعجاز کنه که به کسی نشون بده قدرت نمایی خودش رو. همه توی اون صحنه معترف به قدرت پروردگارانند. پس دلیل بر اعجاز نداریم بله در مورد عصای موسی اعجازه در مورد نیل اعجازه آتش ابراهیم ولی دلیل اون اعجاز یک امر هدایتی است الزاما دفعتی ساختن یک ماجرای نشان دهنده کمال اون ماجرا نیست.

۲۶. یک سوال با توجه به توضیحات ایشان در مورد افرینش زمین. من هیچوقت نتونستم این روایت رو برا خودم حل کنم امیرالمونین علیه السلام: انا اقمتم السماوات و الارض باذن ربی. خطبه البیان

پاسخ: ما در ادامه جلساتی که باهم خواهیم داشت از تصرفات معنوی و روحانی امیرالمونین و کلمات به همراه ایشانند به عنوان خمسه طیبه در تاریخ انبیاء نام می بریم. و اونجا طبیعتا بخشی از این سوال برای شما روشن خواهد شد. در ادامه این روایت دارد: انا اخرجت ابراهیم من النار باذن ربی انا اخرجت یونس من بطن هوت باذن ربی اینا رو همش توضیح میده و این رو باید ما اشاره بکنیم اما اجمالا ابی الله ان یجری النور الا بأسبابها. خدای متعال ابا دارد از این که کاری رو مستقیم انجام بدهد. بنابراین برای هر امری در عالم سببی قرار می دهد. اعظم اسباب الهی و قدرتمند ترین اسباب برای انجام امور تکوینی و بعدا در روایت انسان عرض خواهیم کرد تشریحی، بلاشک امیرالمونین علی بن ابی طالبه این شکی درش نیست. یعنی اگر خداوند میخواهد خلقی بکند از منظر امیرالمونین خلق می کند. اگر میخواهد چیزی را اضافه کند بر عالم از منظر علی انجام می دهد. اگر میخواهد چیزی را بر چیز دیگری بیافزاید از منظر علی انجام می دهد. این از این جهت توضیح کلامی و فلسفیشه ولی اگر بخوایم این رو به صورت تفصیلی در تمام مراحل تاریخ مورد ملاحظه قرار بدیم، ما بخشیش رو در روایت انسان بیان می کنیم بخشی دیگری رو در اون گفتگوی مفصلی که در مورد خلقت موجودات امیرالمونین از پیامبر پرسیدند رو در یک گفتوگویی در روایت انسان خواهیم آورد این ها رو هم گوش بکنید اگر بازهم سوالی بود احساس می کنم در جلسه پنجم یا ششم به آن خواهیم پرداخت باز هم در تفصیل من خدمت شما خواهم رسید.

۲۷. در ویس اول و دوم اسمی از عزرائیل برده نشده بود من هر ویس رادوبار گوش دادم

پاسخ: ما آنچه که گزارشی که در مورد جناب عزرائیل که از ملائکه مقرب هست و اربعه مقربه: میکائیل، جبرائیل، اسرافیل، عزرائیل. ما بحثی که گفتیم زمانی بود که خداوند متعال بناکرده بود که از زمین آدم رو بیافریند. هر کدام از این ملائکه رو می فرستاد زمین ابا می کرد و خاکش رو در اختیار اونها قرار نمی داد. نوبت رسید به جناب عزرائیل و او رفت و از زمین خاک برداشت و به هر تقدیری اون خاک رو به عنوان ماده المواد تشکیل انسان برای پروردگار مهیا کرد.

۲۸. من شنیدم که حضرت مولا علی (ع) پیش از خلقت انسان بوده اند، یا در جای دیگه شنیدم ائمه اطهار قبل از خلقت بوده اند، در ماجرای به عبارت استاد پیش از ۱، ۱، ۱ اشاره ای به این موضوع نکردن، اگر صحیح است یا غلط است در مورد این موضوع توضیح بدید، ممنون

پاسخ: در این باره مخصوصا در مورد خلقت نوری اهل بیت و ائمه اطهار امیرالمومنین در جلسات بعدی که فکر می کنم جلسه چهارم باشه توضیح مفصل و مبسوطی رو عرض خواهیم کرد ان شاءالله.

۲۹. منظور از چهل سال که بعدش در جسم انسان، روح دمیده میشه، چهل سال زمینی است یا نه؟ خدا که هیچ وقت نمیمیره، پس چرا برا خودش جانشین افرید، دلیل آفرینش جانشین برای خودش، چه بود؟ من دوره رو با پسر هفت ساله ام گوش دادم، سوال دوم رو ایشون پرسیدن! با سپاس

پاسخ: این چهل سال، اگر سالهایی که در ادله روایی ما اومده اگر دلیلی نداشته باشیم که این سال غیر از اون سالهایی است که به یک دور گردش کامل زمین به خورشید حساب می کنیم، و ظاهر رو بخوایم نگاه بکنیم همون سالهای زمینی رو باید بر اساس او استدلال بکنیم دلیلی نداریم که بخوایم غیر از اون رو بفهمیم. این که خدا برای خودش جانشین آفریده نه اینکه وقتی نبود او جانشین خدا بشه. یعنی مردم زمین وقتی میخوان به یاد خدا بیافتن وقتی میخوان انتظار کار خدایی داشته باشن معاونی باشه منبع فیضی باشه وسیله ای باشه که بخواد جریان الهی رو در زمین گسترش بده اون رو به عنوان جانشین و خلیفه الله در نظر می گیریم یعنی جانشین کسی است که در حالی که خدای متعال حی لا یموته در حالی که خدا مشغول تدبیر همه عالم است و خسته نمیشه و هیچ کدوم از این نواقص بر او راه نداره جریان اراده خودش رو به وسیله او انجام میده. خدای متعال که نمیتونه خودش بیاد وسط یکی یکی با

بندگان حرف بزنهوا اونها رو هدایت کنه. کی میشه نماینده خدا برای جریان هدایت در عالم این خلیفه الله پس سر خلیفه الله این طوره.

۳۰. چرا وقتی خدا گل رو به شکل انسان درست کرد جایی گذاشت که فرشته ها ببیننش چرا به فرشته ها فقط نگفت. (پسر هفت ساله) در ادامه چرا چهل سال خداوند کالبد انسان رو گذاشت در معرض ملائکه خب مگه کابد از جنس ماده نیست احتمال تعفن وجود داره دیگه درسته؟ و چرا ۴۰ سال؟

پاسخ: در معرض ملائکه قرار دادن برای اینه که آمادگی برای پذیرش خلیفه الله با دیدن این شخص و مراده با این شخص مرحله به مرحله ایجاد بشه و برای اونها روشن بشه که این موجود یک موجود مادی هم هست که باید خلیفه الله هم باشد نه صرفا یک موجود عجیب و غریب ماورایی حالا متعفن میشده یا نه طبعا نمیشده که که نشده و تدابیری حتما به خرج داده شده که ما برای گزارشی نداریم. اما چرا ۴۰ سال شما هر چند سال که این اتفاق می افتاده همین سوال رو می کردید. سر این که درش عدد چهل هست چه دلیلی داره یک امر از اوامر پروردگاره که ما به اون دسترسی منطقی نداریم.

۳۱. عوالم موازی رو بهتر توضیح میدید؟

پاسخ: برای پرداختن به عالم موازی زوده و تصور می کنم ورود به این معرکه و توضیح اون به دو دلیل ابتدائا صلاح نیست. یک این که نیاز به مقدماتی داره که بدون لحاظ اون مقدمات ممکنه بحث ها سخت و ثقیل و سنگین تعلق بگیره و دوستان خسته بشن از پیگیری اونها. دوم این که بگذارید بحث ها به یک نقطه ای برسه که ارتباط منطقی خودش رو پیدا بکنه ان شاء الله حتما در آینده با بحث عوالم خدمت شما خواهیم رسید.

۳۲. جسد انسان چهل سال در عرش بوده؟ یا روی زمین؟ چهل سال، اینجا "سال" به چه معناست؟ و آیا آدم هوشیار بوده یا مثل مرده بوده؟ و در این مدت فرشتگان فقط تماشا می کردند این جسد رو؟ یا کارهای دیگری هم می کردند؟

پاسخ: نخیر در عرش نبوده بلکه بین عرش و آسمان ها فکر می کنم در آسمان چهارم قرار گرفته بود تو روایات هم به این مطلب اشاره شده. وقتی در مجموعه روایات ما سال به کار می ره و قیدی نمیاد که منظور از این سال گردش یک بار کامل زمین به دور خورشید است یا نه، طبیعتا باید حمل کنیم به معنای گردش کامل که عرفی و متداول است. اما اگر دلیلی از بیرون وجود داشته باشه یا اشاره در خود اون روایت وجود

داشته باشه طبعاً اون رو عرض می کنیم مث اون روایت امیرالمومنین در مورد عبادت ابلیس (... اُ فی سنه الدنيا ام آخره). فرمودید فرشته ها فقط نگاه می کردند، به هر حال برای این بوده که تفتنی پیدا بکنند این فرشته ها. این رو نگاه می کردند آیا نگاه اونها مثل نگاه ماست یا چیز دیگری اشاراتی در اجزاء روایات ما نداریم طبعاً بایستی بر اساس تحلیل های فلسفی که نسبت به موجود مجردی به نام فرشته داریم اونها رو تحلیل کنیم.

۳۳. شما جوری از مسائل بین فرشتگان و دیگر مخلوقات مثل نسناس و ... اینها گفتید که حس مطیع محض بودن خدا رو گاهی کم داشتند. اینکه خدا دید اینها نافرمانند، از بین بردشون یا چیزی شبیه این. خب سوال پیش میاد که مگه عالم فرشتگان، عالم آرامش و بندگی و عبادت و اطاعت نبوده؟ و مگر اصلاً آن موقع شیطانی بوده که نسناس و دیگر مخلوقات رو فریب بده و آنها رو به نافرمانی واداره؟

پاسخ: نخیر مطیع بودن با پرسشگر نبودن تلازم نداره گویی که جناب ابراهیم خلیل که مقامش قطعاً از بسیاری از این فرشته ها بالاتره معصومه، ادله قطعیه ای که در عصمت انبیاء داریم فوق ادله ای است که در عصمت ملائکه داریم، ایشون در مورد بحث معاد از خدای متعال پرسش می کنه و باز برای لیطمینان قلبی این پرسش رو می کنه. پرسش فرشته ها خروج از دایره عبودیت نیست هرچند کسر شان یک موجودی است که بخواد در اون مقام از خدا پرسش بکنه اما این نباید هیچ وقت حمل بر گناه بشه. عالم آرامش و بندگی و عبادت عرض کردم با پرسشگری منافاتی نداره.

۳۴. اینجور که من فهمیدم خلقت انسان روی زمین بوده. یعنی از اول انسان روی زمین بوده نه عرش و آسمان هفتم و بهشت و ... یعنی روی زمین بوده و ملائک در آسمان هفتم بهش سجده کردند. یعنی احتمالاً به روحش که حضور معنوی در عرش داشته، سجده کردند. درسته؟ گزاره های ذهنی من حسابی بهم ریخته. یه کمی کمک کنید به تصویر روشنی از خلقت برسم.

پاسخ: توضیح دادیم خدا آنچه که وعده داد این بود که انی جاعل فی الارض خلیفه یعنی اون مسئله ای که موج به هم ریختگی عالم بالا شد و عده ای مثل ملائکه اومدن و با خدا صحبت کردند کسی مثل عزازیل ابا کرد از سجده و اینها موضوعاً این بود که انی جاعل فی الارض خلیفه. بعدم آفرید این انسان رو و این جعل، جعل فی الارض بود حالا این بخش اول و تابلوی اول که هیچ شک و شبه ای در موردش نیست مکرر هم روایاتی داریم که این رو در کجا درست کرد کالبدش در صفا بوده مکه بوده

کجا بوده این ها روایاتش. اما اینکه بحث دومی رو عرض کردیم خدمت شما که بعد از خلقت جسمانی آدم این آدم روح که بهش تعلق پیدا کرد و نفخ روح اتفاق افتاد به علت در کار نبودن وسائلی که برای انتقال این روح از پروردگار به انسان صورت بگیرد پدر و مادر و جد و اینها نبود یک جا اون هم از یک موجودی که در اوج شرافت آفریده شده و توسط موجودی که منبع شرفه یعنی توسط پروردگار، این تعلق روح که اتفاق افتاد چشم باز کرد، آدم خودش را در عالم بالا و عند ملیک مقتدر در نزد ملائکه مقرب دید این هم تابلوی دوم. این دو تابلو باهم متناقض نیستند یعنی هم انسان در زمین است جسم و هم در حال مکاشفه با عالم بالاست روحا و این دوتا باهم اصلا تناقض نداره گویی که انبیاء عظام حضرت مریم وقتی که در محراب بودند و جسم در مسجد الاقصی داشتند نماز می خواندند روحش در بین ملائکه مقرب بوده و این گزارشی است که خود این بزرگوار می دهد و هم قرآن این رو بعدا در مورد مریم اشاره می کنه در مورد انبیاء دیگه هم به شرح ایضا. پس این تناقضی که نداره. وقتی که آدم خود رو در اون مرتبه و مکان دید خب طبعا مواجه او با اون موجوداتی که در اون مکان بودن اتفاق افتاد ماجرای سجده و حضور در بهشت برزخی بعد از اون باز شدن اون چشم بزخی آدم و حضور اون در عالم فرشته هاست. هبوط چیه؟ هبوط اصطلاحا اتحاد جسم و روح است حالا این روحه قبلا بالا بوده به واسطه هبوط میاد و در زمین قرار می گیره و جسم و روح باهم شروع می کنند به حرکت کردن بعدا ولی آیا امکان تعلق مجدد روح به عالم بالا وجود دارد؟ گفتیم بله وجود داره. چجوری وجود داره؟ با انجام مناسکی که حضرت آدم شروع کننده اون مناسک است.

۳۵. آیا "جان" با "جن" متفاوته ؟

پاسخ: جان طایفه ای از اجنه است که از ازواج دو جن مارچ و مارجه به دنیا اومدن و در بین اوناه اجنه و شیاطین متولد میشن که عزازیل از اونهاست

۳۶. من از گروه روایت انسان هستم و سوالی داشتم ابلیس ، عزازیل و شیطان و حارث همگی یکی هستند؟

پاسخ: سلام بله

۳۷. درمورد پریان سوال داشتم. منظور از پری همون جن هست یا دو گونه ی جدا از هم هستن؟ در مورد پری سرچ کردم اما اطلاعاتی پیدا نکردم. از طرفی توی مطالب جلسه اول اشاره ی مستقیمی به آفرینش اجنه نشده بود لذا این ابهام برای بنده ایجاد شد که شاید اجنه همون پریان هستند.

پاسخ: با توجه به نکاتی که جلسه اول اشاره کردیم و مجموعه گزارش هایی که داریم پریان طایفه ای از فرشتگان هستند در حالی که اجنه و شیاطین طوایفی از جان هستند و اونها نباید باهم خلط بشند.

۳۸. وقتی پریان خوب و بد جدا سدن و استاد میفرمایین ابلیس با اون خوب ها به آسمان رفت یعنی اون موقع ابلیس خوب بود؟ در ادامه میگن که با فرشته ها انقدر محشور شد که اونا به تجربه ی ابلیس نگاه نکردن... سوالم اینه مگر خدا ناظر نبودن؟! چطور ممکنه به تجربه ی ابلیس نگاه نکنن!!!

پاسخ: بله اون موقع ابلیس جزو خوبان خدا بود و هیچ مشکلی نداشت. ادامه سوال رو متوجه نمیشم

۳۹. بنده شنیده ام که اولین مخلوق الهی در عالم اوامر وابتدای آفرینش های معنوی نور ائمه بوده است وبعد از آن حقیقت انسان ها ودر نهایت همه ی موجودات دیگر به جهت مسیر تکاملی انسان خلق شده اند ولی در عالم اسباب ،قبل از انسان موجودات دیگری خلق شده اند این فهم ایا با توصیفات قبل از خلقت انسان دوره روایت انسان منافات دارد؟ یا خیر؟ ترتیب گفته شده در دوره ،مربوط به عالم اسباب است یا همین دیدگاه را در عالم ذر یا پیش از خلقت فرشتگان و..هم دارید؟

پاسخ: درست می فرمایید ما فیلم رو از دقیقه اول آغاز نکردیم و خلقت رو از لحظه اول توضیح ندادیم بنا هم نبود و بنا بود روایت انسان بگیم نه روایت خلقت بگیم به همین دلیل اشارتا پرداختیم به ماجرای خلقت اما نه به این معنا که ماجرا رو از اول آغاز کنیم در جلسه چهارم یا پنجم یک سری خواهیم زد و سابقه خلقت نوری اهل بیت رو که مقدم بر خلقت همه موجودات و از جمله آدم بودند رو با هم مروری خواهیم کرد ان شاءالله.

۴۰. آفرینش حوا به چه صورت بوده؟

پاسخ: عین آدم

۴۱. من هنوزم قانع نشدم چرا خدا منو خلق کرده خب چی میشد من پرنده آفریده میشدم. یا اصن خدا بنده های خوب و دوست داشتنی و دلخواهش رو تو همون بهشت خلق میکرد و خوش و خرم از وجود هم لذت میبردن...آخه این چه کاری بود مرد مومن

پاسخ: چند نکته رو میگم باهم دقت کن این چندتا میتونن باهم جواب اون پرسش چرا خدا ما رو آفریده و... باشه سعی می کنم این بخش رو با به جواب کلامی در موردش گفت و گو بکنیم که از قطعیت بیشتری برخوردار باشه اگر موجودی استعداد موجود شدن رو داشته باشه قبل از این که به وجود بیاد داشته باشه اصطلاحاً می گیم ممکن الوجودی باشه که بشه خلقش کرد مثلاً ماشینی رو فرض کنید که امکانش رو داشته باشید که بسازید ولی هنوز نساختید. اگر همچین موجودی باشه و شما هم یک موجودی باشید که مثل خدا از هرگونه خلق کردنی توانایی شو داشته باشید کم نداشته باشید بعد شما اون موجود رو به هر دلیلی که استعداد خلق شدن رو داره میتونه رشد کنه نوعاً ها نه اینکه همشون رشد کنند نوع انسان ها می تواند به وجود بیاد رشد کنه توسعه پیدا کنه و به یه مدارج بالایی برسه این طبیعت این انسان. اگر خدا این موجوده رو به هر دلیلی نیافرینه از چندحالت خارج نیست. یک این خدا آفرینش انسان بخل می ورزه دو قدرت ساختش رو نداره سه با منافع خودش در این دوره ناسازگاره یا هر دلیل دیگری که این سه تا دلیل، دلایل اصلی اند. حالا اگر خدا این موجودو نیافرینه با توجه به این که این تنها بهانه های او برای نیافریدنه چون گفتیم طبیعتاً امکان رشد داره این موجود بعد اون وقت این خدا متهم و متصف به صفات نقصیه مثل بخل و عدم و علم و مثل اینها خواهد شد. بنابراین آفرینش این موجود برای خدا می شود واجب و باید همچین موجودی رو بیافریند. اگر اشکال کنید برخی از آنها رشد نمی کنند من جواب میدم این که طبیعت موجود مختار امکان، امکان نه یعنی حتماً رشد می کنه، امکان رشد و توانمند شدن رو دارد بر خدا واجبه این رو بیافرینه حالا اگر این موجود با اختیار راه دیگری رو بره اون وجوبی که خدا از اون برخورداره در هنگام ساخت چیزی ازش کم نمیشه.

۴۲. ببخشید می خواستم بدونم اون قسمت که استاد فرمودند اول جسم حضرت آدم آفریده شد، ۴۰ سال بعد روح بهشون تعلق گرفت ، منبعش رو میشه بفرمائید ؟  
پاسخ: عادتاً ما منابعی رو که در این مورد استفاده می کنیم تلاش می کنیم در صوت ها قرار بدیم، منابع رو در کانال قرار بدیم. به صورت خاص ایم عدد ۴۰ رو اگر اشتباه نکنم در جلد ۴ بحار الانوار من دیدم باز اگر دقیق رفتید توی منابعی که ما فرستادیم ندیدید و جایی برای استفاده نیازمندش بودید که نگاه بکنید، بنده خاصتاً تلاش می کنم هر چه زودتر خدمت شما تقدیم بکنم این رو.

۴۳. رابطه ی برزخ و قیامت با آسمان اول تا هفتم چیست؟

**پاسخ:** اینه که کل آسمان اول، کل آسمان هایی که مادی هستند و ما می بینیم اینها آسمان اوله. و آسمان های بعدی هم محیط بر این آسمان ها هستند این یک تصویر. بین برزخ و قیامت هم رابطه علی معلولی است یعنی قیامت علت برزخ و برزخ علت دنیا و این سه تا بر هم محیط اند. از جهت فلسفی و ادله برهانی ما سه عالم رو که قیامت، برزخ و دنیا هست رو استدلالا میتونیم بیان بکنیم. هفت آسمان دلیل فلسفی برش برهانی همیشه آورد البته به صورت روایی ما اون رو، روایات صحیح السندي، بهش داریم. مرحوم شاه آبادی در کتاب شریف رشحات البحار توضیح و تفسیری مبنی بر این هفت آسمان رو آوردند.

۴۴. اگه میشه درمورد حضرت حوا بیشتر توضیح بدین و بگین چی شد که حوا هم افریده شد (یعنی چه اتفاقی افتاد که حضرت حوا هم افریده شد، یعنی اول حضرت ادم افریده شد بعد حضرت حوا؟، یا هردو باهم)

**پاسخ:** هردو باهم افریده شدند

۴۵. یه سوالی داشتم اینکه گفتم اول جسم افریده شده بعد ۴۰ سال بعد روح دمیده شده به خاطر همین که عدده ۴۰ مقدس شده؟ مثل چله نشینی و اینجور چیزا  
**پاسخ:** بله. نه الزاما. ما همین قدر می دانیم که چهل سال قبل افریده شده.

۴۶. واینکه استاد گفتن اولین جن افریده شده مارچ بود که با مارچه از اجنه ازدواج کرد مگه خود مارچ اولین جن نبوده پس چجوری با مارچه از طایفه اجنه ازدواج کرده  
**پاسخ:** از ازواج مارچ و مارچه طایفه جان متولد شد. همگی هم از جهت وجودی جن هستند.

۴۷. حیوانات همراه با ادم افریده شدن یا بعد از سکنا گرفتن حضرت ادم روی زمین؟  
**پاسخ:** نه از قبل بودند

۴۸. آیا موجودات دیگر مثل پریان و نسناس یا حتی شیطان قدرت اختیار دارند که سرپیچی کردند؟ قدرت اختیارشان چه فرقی با انسان دارد؟



پاسخ: بله اختیار وجه مشترک بین انسان و اجنه هست ولی شدت و میزان و درجه اختیار و میزان بهره وری در اون ها متفاوته. انسان قدرت اختیارش و انتخابش از موجودات دیگر بیشتره

۴۹. زمین از جنس ماده است ایا قبل از افرینش که می گوئید موجودات دیگر در زمین بوده اند از ماده بوده اند؟ یعنی از آتش و این ها؟ و در کل اینکه شیطان از جنس آتش است چیست؟ مگر نباید ماده توسط ما دیده شود؟ در کل یک چیزهایی را متوجه نمیشوم. تصور می کنم غیر از زمین و دنیا همه عوالم دیگر ماده نیستند بعد سنگ بهشتی یعنی چه؟ میوه بهشتی یعنی چه که فرد دیگربرود برای ادم بیاورد؟ خودش مگر دسترسی به عالم بهشت نداشت؟ عرش خدا در ملکوت عالم کجاست؟ اینها تمثال است که ما بفهمیم؟

پاسخ: بله ماده بوده همیشه. خب آتش هم که از جنس ماده هست مشکلی از این جهت نداریم. نه مرئی بودن از ملازمات ماده نیست. ماده نامرئی هم داریم. زمانمند بودن و مکانمند بودن و دارای بعد بودن از ملازمات ماده است. خب بخشیش مفاهیم فلسفی و حکمی است که نیاز به مقدمه داره که البته ما تلاش می کنیم که در حدی که ممکنه به فراخور بحث هایی که پیش میاد اونها رو عرض بکنیم. میوه بهشتی، سنگ بهشتی اینها هم سر جای خودش نیاز به توضیح دار از اون بالاتر عرشه. عرش و کرسی مفاهیمی اند که یه مقدار توضیحشون تخصصیه من فعلا پیشنهاد می کنم برای این که فعلا ذهنتون با مفاهیم انس بگیره و مطالبی رو بدانید، علی الحساب فعلا تا ترم دوم که ما مفصلا ممکنه در یه جلسه ای ضمیمتا به اونها پردازیم به کتاب هستی و هبوط آقای پارسا نیا یا رساله انسان از آغاز تا انجام علامه طباطبایی مراجعه بفرمایید.

۵۰. منابع و روایات ما نظریات داروین را در مورد خلقت اولیه انسان به طور کامل رد می کند؟ یا مثلا رابطه ای وجود دارد؟ ایا اولین انسان یا حضرت ادم همان موجود تکامل یافته مثل میمون نیست که بعد از زمانی دارای روح شده است؟

پاسخ: بله. ما خلق الساعه بودن خلقت انسان رو معتقدیم در حالی که نظریه داروین یک سیری از تک سلولی تا مثلا موجودات انسان گونه داره که ما این رو به هر حال قبول نداریم. نخیر اصلا ما چنین چیزی رو قبول نداریم.

۵۱. در رابطه با خلقت انسان فرمودند جسم انسان ابتدا خلق شده بود و روح دمیده نشده بود که فرشتگان به سراغ جسم انسان می رفتند و تعظیم می کردند، به نحوی

مطرح شد که گویی عزرائیل خاک را از زمین به آسمان ها برده، خدا جسم انسان را در آسمان آفریده و در معرض دید فرشتگان قرار گرفته، در جلسه بعد نظر امام رو مطرح کردن که از ابتدا جسم انسان در زمین بوده و ماجرای بهشت مکاشفه بود. این تعارض در جایگاه جسم انسان رو چگونه حل کنیم؟ یعنی از ابتدا خلق جسم رو هم در زمین بدونیم؟ پس ماجرای عزرائیل رو چطور توضیح میشه داد؟

پاسخ: ما دچار تناقض نمی شیم به این معنا که جسم انسان در زمین است در یک موقعیتی هم برای نشان دادن به ملائکه برده می شود به بالا و آورده می شود زمین. عین حضرت عیسی که انی رافعک که میبرتش بالا و دوباره میارتش پایین. یا مثل جناب ادیس نبی که دوتاش توی قرآن هست. یا رسول الله به وقع معراج. این سه تا مثال برای این که اتفاق نادری نبود. ولی به هر حال این جسم در زمین قرار داده شده. جعل شده در زمین. جاعل فی الارض خلیفه این از اینجا. حالا این جسم هنوز روح بهش تعلق پیدا نکرده. وقتی روح تعلق پیدا می کنه به همون علتی که توی درست توضیح دادیم، این اتحاد بین روح و جسم که اتفاق می افته این جناب انسان که چشم باز کرد. عالم ملکوت دید. حالا این انسان در بهشت برزخی است. سیری داره و اتفاقاتی داره تا این که به واسطه اون اتفاق تکوینی هبوط می کنه. پس ببینید در هیچ کدوم از این روند ما تناقضی رو مشاهده نمی کنیم.

۵۲. زمانی که خداوند جسم حضرت آدم را آفرید و ۴۰ سال در محل رفت و آمد فرشته ها بود، اون موقع هنوز نفخ روح صورت نگرفته بود، همون زمان که فرشتگان عبور می کردند ابلیس مسخره میکرد، اولین دشمنی ابلیس دقیقا همان زمان که مسخره میکرد بود ؟ یا زمانی که سجده نکرد؟

پاسخ: اولین دشمنی همون طور که فرمودید، از دورانی بود که سجده نکردن آدم اتفاق افتاد و تمسخر و اینها مراحل بعد از اون.

۵۳. وقتی مخلوقات قبل از خلقت آدم طغیان کردند و خداوند آنها را از میان برداشت اولاً شیطانی نبود که باعث گمراهی آنها شود؟ پس چه چیز باعث انحراف آنها شد؟ دوماً از بین رفتن آنها به معنای فانی شدن است یا انتقال به سرای دیگر و یا جای دیگر مثل جهنم و اگر جهنم است همین جهنمی که نسل آدم رو بر حذر میدارند یا جای دیگر

پاسخ: عرض کردیم علت انحراف اون قبائل قبل از انسان هر موجودی بودند برما مشخص نیست. و ما گزارش تاریخی از اون دوران نداریم لذا نمی توانیم درموردشون بیش از آنچه گفتیم اظهار نظر کنیم. در مورد جهنمشون همین طور.

0۴. ابلیس از اجنه بود یا از پریان؟ سه طبقه موجود معرفی کردن اول فرشتگان دوم پریان سوم نسناس، پس اجنه کجا بودن؟

پاسخ: پریان به معنای موجودی مستقل از اجنه نداریم. یک موجودات عامی به نام جن و اجنه و شیاطین هستند که دارای طوایفی هستند که ممکنه پریان رو بعدا بتونیم جزو یکی از طوایف اجنه در نظر بگیریم. پس بنابر این جنه و شیاطین عنوان عامی است که توش این گروه های مختلفی مثل پریان و اینها وجود دارند البته ممکنه پریان رو بتونیم قسمتی از موجودات فرشتگان هم در نظر بگیریم

00. جان یعنی چی که گفتن از جن متولد شده؟ و بعد گفتن که اولین جن مارچ بود که با مارچه ازدواج کرد مگه مارچه هم جن نبود؟ پس چرا گفتن اولین جن مارچ بود؟

پاسخ: جان اسم عامی است که بر پدر اجنه هست و بر همه اجنه هست مثل آدم که پدر همه ماست. بعد عرض کردیم که ولی این جان از ازدواج میان دوتا موجود جن گونه به نام مارچ و مارچه متولد میشه. جان می شود سر شاخه یکی از طوایفی از اجنه که بعدا از درون آنها عزازیل میخواد دنیا بیاد. مارچ و مارچه به معنای طایفه ای از اجنه که ما امروز به آنها میگوییم اجنه نبودند اسما. اما از جهت اوصافی که برای اجنه هست یعنی از آتش آفریده شدند و... میتوان آنها را جن نامید.

0۶. قبل از اینکه روح انسان آفریده بشه جسم او در زمین بود؟

پاسخ: بله قبل از روح جسم آفریده شده.

0۷. آیا سند و مدرکی هست که نشون دهنده ی این باشه که موجوداتی که نام برده شد، همه روی کره ی زمین زندگی می کردند و نه در سیارات و کرات دیگه؟ (چون گاهی می شنویم که مثلا موجوداتی در جاهای دیگر احتمالا وجود دارند و یا آثاری از حیات قبلی در برخی کرات دیده شده)

پاسخ: نخیر نداریم، لذا به ظاهرش اخذ کنیم و اون ها رو در زمین بدانیم و بگیم اگر کره دیگری بود و سرزمین دیگری بود، که منظور خلق بنا بود در اونجا اتفاق بیافته، لا جرم با اشاره ای کنایه ای، لفظی، به ما می رسیده حال آنکه همچین لفظی در اختیار نداریم.

۵۸. به چه علتی این اجازه از موجودات گرفته شد که در عوالم هم نفوذ نکنند و با هم ارتباط نداشته باشند؟

پاسخ: اگر منظورمون از عوالم مجرد هست، امکان مادی شدن مجرد وجود نداره و دو پارادایم متفاوت اند. اما اگر منظور اجنه و شیاطین اند، نفوذ اونها فساد آورده و این فساد رو پروردگار، قبل از ایجاد زمینه او ایجاد نمی کنه. ما نمی بینمشون اما اونها می بینند. پس بنابراین اونها امکان نفوذ بر ما رو بیشتر دارند. حال آنکه این اتفاق نباید برای ما بیوفته. خدا گفته سخر لکم ما فی السماوات و الارض. این باعث میشه این اتفاق نیوفته الا این که به قدرت روحی برسند که امکان بهره بردن از اجنه و شیاطین به نفع جریان ایمانی توسط مومنین مسلمان انسانی فراهم بشه که در آخر الزمان حتما شک می گیره که یک دوره هم در دوران حضرت سلیمان این اتفاق افتاده.

۵۹. وقتی پریان مجازات شدن و بالهашون گرفته شد جریمه و مجازات نسناس چه بود؟  
پاسخ: نسناس کلا منقرض شدند، مجازاتشون این بود.

۶۰. چطور بین پریان و نسناس اختلاف افتاد؟ اون زمان که شیطانی وجود نداشت تا عامل وسوسه و اختلاف باشه. و اصلا عامل اختلاف چی بود؟ آیا این خصوصیات مثل کبر و حسد و اینها که درون انسان هست درون اونها هم وجود داشته؟ مگر اونها پاک و منزّه و یکدست نبودن؟

پاسخ: نمی دانیم. ما باید بر اساس شواهد و مدارک و اسناد باید قضاوت بکنیم. مادامی که اسنادی نباشه و به ما گزارشی نده ما نمی تونیم. حدس و گمان رو وارد بکنیم. آنچه گفتیم بر اساس اسناد و مدارکی که بهمون رسیده بود گفتیم، ولی باقی اون رو نداریم. نه این که نمی خوایم بگیم، سندی در اختیار نداریم. حداقل بنده در حد سواد خودم هرچه گشتم بیش از این اسنادی نیست.

۶۱. زمانی که آدم فقط جسم بود و در معرض دید فرشتگان، آیا درکی از موقعیت اطرافش داشت؟ وقتی فرشته ها و عزازیل باهاش و دربارش صحبت میکردن.

پاسخ: خب طبعا هر وجودی عالمه. اصلا نمی شود شما وجودی رو در نظر بگیری که عالم نباشه.

۶۲. همیشه درباره چگونگی خلقت زمین و آسمان ها توضیح بدهید و اینکه گفتند که نسناس را در طبقه میانه و پشت زمین جا دادند همیشه درباره طریقات زمین هم توضیح بدهند

پاسخ: مباحث مربوط به خلق آسمان ها و زمین یه قدری چون دور هست از بحث روایت انسان و ما داریم عملا مسئله روایت انسان رو بررسی می کنیم، در آینده شاید به فراخور وقت یا ارتباطاتی که با بعضی از عوالم باشه بهش بپردازیم. نقدا الآن یه قدری گیج کننده خواهد بود برای مخاطبین و عمدش هم این که نیازمند به یک سری از مقدمات حکمت و فلسفه است که کم باید برایشون یه فکری بکنیم.

۶۳. این نسناس همان قوم یَعجوج و مَعجوج بودند که شهید مطهری هم با ان اشاره کرده که همدیگر را کشتند؟ پس ایا هنگام هبوط حضرت ادم به زمین هیچ موجودی جن، پری، نسناس و.... نبوده؟ یعنی زمینی خالی از هرگونه موجودی بوده است؟

پاسخ: نسناس ها و یعجوج و معجوج با هم متفاوت اند. تفاوت هم به این است که نسناس ها قطعا منقرض شدند. اما یعجوج و معجوج وجود دارن و بعدا با ذوالقرنین تقابل جدی ای رو در تاریخ انسان خواهند داشت. نکته بعد هم این که هیچ موجودی منقرض نشده بوده جز نسناس و اینها. ولی اجنه و شیاطین در زمین بوده اند و هستند و خواهند بود.

۶۴. درباره عصر دایناسورها و تطابق آن با روایات ما هم بفرمایید

پاسخ: متاسفانه روایت و فکت معتبر تاریخی نداریم. اصل وجود دایناسورها هم در بسیاری از پژوهش های تاریخی محل اشکال می باشد.

۶۵. فرق اجنه با پریان چیه؟ ابلیس به چه معناست که حتی عزازیل در موقع سجده لعنت الله علی ابلیس بر پیشانی اش نقش می بست؟ چرا اسم او از عزازیل به ابلیس تغییر کرد؟

پاسخ: این دو از یک طایفه هستند و تفاوت در نوع خلقت آنهاست مثل آدم های سیاه پوست سفید بزرگ ایرانی چینی و مختلف

۶۶. همیشه درباره وظیفه و مسولیت هر کدام از ملائکه مقرب مثلا جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل توضیح بدهید و همینطور درباره وظایف فرشتگان مثلا فرشتگانی

که حامل عرش هستند به ذره این مسایل که فرشته ها دقیقا چیکار میکنند برای بنده گنگ هست ممنونم

پاسخ: ما بعدا در مورد ملائکه و بعضی از نقش هایی که جناب میکائیل و اسرافیل و جبرائیل و عزرائیل دارند با هم گپ و گفتی خواهیم داشت. نقدا الان نوع مسئولیت ها و صف بندی ملائکه برای ادامه بحث ما ارتباط روشنی نداره لذا وقت مفصلی هم می طلبد اگر بخواید مراجعه بکنید ما تو بحث های الهیات من الاعم در کتاب های فلسفی قسمت ملائکه همیشه فصل آخر بهش پرداخته میشه.

۶۷. سوال بعدی در مورد عالم ارواح مجرد هست اینکه به چه صورت بوده، ایا بعد از آفرینش ملایکه خداوند روح را افرید؟

پاسخ: در مورد تناقض شما که بالاخره عالین رو می شناخته آدم یا نمی شناخت؟ ببینید هر دو درسته هم این که رو کرد اونجا و عالین رو دید هم این که امام فرمود این ها همشون مبعوث رسول الله هستن، هر دو درسته. به این تعبیر که تفاوت در دو مرتبه بین اجمال و تفصیله. یعنی در مرحله اول که آدم دید، بالاجمال عالم شد. یعنی اجمالا فهمید چیزی است بزرگتر از همه موجودات که این موجودات یا چند حقیقت و... ملزم به سجده نبوده اما این که دقیقا کی اند؟ چگونه به وجود آمدند؟ ما از این ها بودیم و... این ها رو به تفصیل نفهمید و زمان تلقی فهمید. بنابراین هم اون اتفاق اول قابل فهمه اگر اجمال و تفصیل رو در کیفیت دخیل بدونیم و هم تناقضی پیش نیاید. بحث زمان و این که زمان اصلا مخلوقه و این جوری نبوده که همیشه زمان باشه لذا قبل و بعد یک مفهوم دائمی نیست. این رو بعدا توی بحث عوالم بهش خواهیم پرداخت.

۶۸. لطفا این سوال رو هم بپرسید که آیا همیشه احتمال داد اگر نظریه پردازان تاریخ تمدن بیان می کنند همه چیز از روی آزمون و خطا بوده این مربوط به نسناسهاست؟؟؟ یعنی نسناسها بالاخره پیشرفتهایی داشتند کما اینکه وسایل و ابزاری که متعلق به دو سه میلیون سال پیش است، کشف شده... این در حالیست که آدم علیه السلام نهایتا پنج الی شش هزار سال پیش زندگی روی زمین شروع کردند

پاسخ: ما با اصل آزمون و خطا و تجربه که مخالف نیستیم. حتما تجربه و آزمون و خطا در تولید علم دینی و یا تولید نظریات قدری از تاثیر رو داره و قابل انکار نیست. پس همیشه گفت اگر یک چیزی با آزمون و خطا به دست آمده بود، حتما مربوط به موجوداتی هست که علم به اسماء ندارند. علاوه بر این که علم به چیزی منافی با این که در مقام تحقق شما بخواهی و بتوانی از تجربه و آزمون و خطا استفاده کنید. در

مورد این ما ابزاری پیدا می کنیم آیا مربوط به انسان است یا نسناس؟ این پرسش دو حالت دارد. یا ما می توانیم صحت آزمایش کربن ۱۴ برای به دست آوردن طول عمر یک شیء رو بپذیریم که خودش محل تردیده در علم فیزیک و اینها یا نه. اگر بپذیریم و بتونیم تایید کنیم که بر اساس آزمایش کربن ۱۴ عمر شیئی در اومد یک میلیون سال، اونوقت بله اگر بش از ۷۵۰۰ سال بود ما می تونیم بگیم برای انسان ها نیست و مال نسناس هاست.

۶۹. یکی از دلایل رد داروین اینه که بین انسان و میمون یک جهش هوشی زیاد داریم که تو این قضیه توجیه نداره ولی این وسط نسناسها رو داریم که حیوان هستند و قدرت اختراع و کشف هم دارند. پس مشکل جهش حل میشه. از طرف دیگه برای یک ماتریالیست همیشه با توجه به آیات قرآن خلق متفاوت و روح الهی انسان رو توضیح داد، چون اون غیر از ماده رو قبول نمیکنه. پس تفاوت انسان کنونی با انسان غارنشین چیه؟ حس پرستش انسان کنونی از کجا میاد؟ اگر بگیم که حیوانات قدرت اختراع و پرستش ندارن.. بعد اومدین میگین نسناس ها قبل از انسان ها بودن.. حیوان محسوب میشدن ولی خیلی باهوش بودن و آتیش رو اختراع کردن و در غار زندگی میکردن؟ این متناقضه.. چون میگیم حیواناتی ب نام نسناس قدرت اختراع داشتن. پس ما میتونیم الان بگیم که ما از ادامه ی نسل نسناس ها هستیم .. هوش انسان که بعد از نسناس ها بوده از اونا بیشتر بوده.. و همین فهم زیاد و هوش بالا موجب شده که بشر احساس کمبود کنه در خودش که باید به یه چیزی وصل باشه.. انسان خودش رو در سطح بالاتری از حیوانات میدیده پس نتونسته بپذیره ک از نسل نسناس و میمون هستش.. به خاطر همین احساس نیاز به یه مخلوق پیدا کرده و جریان پرستش رخ داده.

پاسخ: من در مورد نظریه تحول انواع یک مقاله ای رو خدمت شما خواهم فرستاد یک بخشی ازش رو که مطالعه بفرمایید. چکیده ای از نقد هایی است که دکتر نصر بر این نظریه داره و نظریه معادل که فیکسیسم هست الان به عنوان نظریه غالب در بحث های علوم اجتماعی مطرح است. من کاری به این فاش ندارم، دو نکته می خوام خدمت شما عرض کنم. نکته اول این که نظریه داروین در فرض پذیرشش هم میتونه امکان تحول انواع رو برای ما روشن بکنه و نه دلیل حتمی و قطعی در تحول انواع. یعنی خود نظریه بیش از امکان تحول اون هم به شکل داروینی چیز دیگری بالاتر از اون نمی تونه بگه. در مورد رد اون ما باید به استحال برسیم. یا باید بگیم مثلا مستحیل است تحول انواع. ما این رو نمی خوایم بگیم البته این مقاله این رو میخواد بگه من از این عبور می کنم. ولو این که بگیم ممکن است برای این که نشان دهیم نسل انسان از ادامه آمیب ها گرفته تا میمون ها و از اون جا به انسان هست،

این یک دلیل ژنتیکی میخواد که اون دلیل هنوز ارائه نشده و فقط در مورد امکانش بحث میشه. عرض ما این هست که در طرف مقابلش دلیل الهیاتی محکم داریم مبنی بر این که ما بدون هیچ اتصالی فرزندان آدم ابوالبشر هستیم. حالا طرف می تونه بپذیره این رو و از مرحله امکان خارج بشه و بگه امکان پذیر نیست یا نه میتونه کما کان بر نظریه تنوع انواع بماند. علی الحساب بیشترین درگیری ما با خود نظریه داروین در حد فلسفیش نیست. وقتی نظریه داروین وارد پروژه های علوم انسانی میشه و تبدیل به داروینیسم سیاسی و اجتماعی میشه، اونجاست که پاره ای از درگیری ها رو باهاش داریم که اونجا بحث ما اینه که آیا ما تحول رو می پذیریم یا نه. ما می گیم تحول رو می پذیریم. توسعه رو هم در ساخت مادی هم در ساخت روحی انسان می پذیریم. لاین و مسیر تحول رو باید حرف بزنیم که آیا در اون مسیر اونها قرار گرفته یا مسیر دیگری که میشه ترسیم کرد.

۷۰. جن و شیطان جدا شد. با هم چه فرقی دارن؟ ابلیس جزء اجنه است؟ پس چرا میگوییم شیطان؟

پاسخ: جن و شیطان از جهت وجودی با هم تفاوتی ندارن و همه از طایفه اجنه هستند. علت این که به شیطان می گیم شیطان، اون شیطنتی هست که نسبت به بندگان خدا انجام میده. وجه تسمیه اش همینیه و از جهت ماهوی با هم تفاوتی ندارند.

۷۱. خلقت زمین قبل از خلقت آسمان ها بود و خداوند قبل از مشغولرچه کاری بود؟

پاسخ: خدای متعال از آنی که ما می توانیم برای او زمان تصور کنیم، خلقتش آغاز شده است و به عبارت دیگر خلقت یک امر ازلی است و ابدی هم است و البته موجودات متفاوت اند. این که ما گزارشی از اون ها ندادیم یا شاید نداریم، دلیل بر نبودن اون ها نیست.

۷۲. من نفهمیدم که این جان که به وجود اومدن، آیا این ها همون نسناس بودند؟ چون که اولش فقط پریان روحانی و بالدار و نسناس روی زمین بودند اما بعدش که این ها داشتند منقرض می شدند و پریانی که خوب بودند به آسمان رفتند، فقط گفتش ابلیس یا حارث هم با این ها به آسمان رفت و ابلیس هم از اجنه بود. من متوجه نشدم این جان کی به وجود آمدند آیا این ها همون نسناس بودند؟ اگر از همین نسناس بودند همین ابلیس ازشون باقی مونده؟ بعد میگه یکی در آسمان بود که عزازیل بود به نظر میاد این همون ابلیس یا حارث است. درسته؟ مخصوصا با ذهنیتی که داشتیم این بود که اجنه بودند قبل از انسان و اون ها هم مومن و کافر



دارن. یعنی اگر همون نسناس بوده باشن و همه از بین رفته باشند و شیطان به آسمان رفته باشه و میگه شیطان از کافران بود، پس همه اجنه این جوری کافر میشن یعنی از نسل شیطان به بعد میشن.

پاسخ: به نظر میاد من شاید بد گفتم یا شما بد متوجه شدید، موضوع این هست که نسناس قبل از انسان ها موجود بودند و منقرض شدند اما موجودات جنی و طایفه جن، قبل از بودند. بعد در توضیح این که اجنه و شیاطین چگونه به وجود اومدند و داستان وجود اونها چگونه بود، توضیح دادیم که از ازدواج مارچ و مارجه، طایفه جان به وجود آمد و از جان که بفرمایید جد اعلاى اجنه و شیاطین باشه مثلا دو طایفه اجنه و شیاطین متولد شدند. از اون دسته شیاطین موجودی به نام عزازیل دراومد که داستانش رو نقل کردیم. بنابراین بخش اول رو این گونه گفتیم که نسناس ها منقرض شدند. منظور از پریان بالدار هم یا طایفه ای از فرشتگان هست یا طایفه ای از اجنه که به هر حال وجود داشتند. در مورد ابلیس، حارث و شیطان، این ها سه اسم یک موجود اند. هر کدام از این اسم ها از جهتی بر او قرار داده شده. منظور ما این بود اگر چیز دیگری گفتیم یا بد گفتیم و بد متوجه شدید عذر خواهی می کنیم.

۷۳. در جلسه اول فرمودید روی زمبن پریان بالدار نسناس ها و جن ها زندگی می کردند. و بعد اتفاقات مطرح شده در فایل صوتی عزازیل هم همراه پریان وارد آسمان شده. این کار با خواست خداوند بوده؟ شما طوری گفتید که انگار یواشکی رفته.

پاسخ: بنده عرض کردم. عبادت کرد و مورد توجه قرار گرفت. در خواست شد از ایشون که ببرندش بالا. همه فرآیند با سلطنت پروردگار بوده و با طرح او بوده است. اصلا لایکن الفرار من حکوته. این که ما نمی توانیم همچین حرفی رو بزنینم و اگر همچین دریافتی هم شما داشتید از حرف ما، کاملا اشتباه بوده و این دریافت رو نداشته باشید.

۷۴. یه سوال برام پیش اومده که قبلا با شنیدن خیلی از روایات برام مطرح بود. اونم اینکه نوع دیالوگ خدا و فرشته‌ها بیشتر آدم رو یاد افسانه‌ها یونان و داستان رب‌النوع‌ها میندازه و با خدایی که باید و می‌شناسیم خیلی تفاوت داره بعضی سوال کردن‌ها و فضا سازی‌ها خیلی عجیبند؛ به نظر می‌رسه فرشته‌ها در ابتدائیات کلام هم مشکل دارند در تسلیم بودن یا اعتقاد به علم و قدرت و حکمت و ... نمی‌دونم چرا این دست روایات که توی صوت هم بهشون استناد شد و ازشون گفته شد خیلی کودکانه به نظر می‌آید.

پاسخ: این نکته ای که ما در مورد گفت و گوی خدا و فرشتگان گفتیم عین متن آیه قرآن است. روایت که نیست و این که صرفا یادآوری می شوید با یک سری گفت و گوهای

کذبی با رب النوع های ایران باستان، دلیل ضعف نیست الزاما. باید بگویید وجه ضعف چیست؟ مثلا امکان ندارد ملائکه همچین پرسشی کنند، با چه ویژگی آن ها این تعارض دارد. مشخصا بیان بفرمایید من در خدمت هستم.

۷۵. گفتیم که سه دسته موجود بودن: فرشته ها، پریان، نسناس ها. اجنه کجای این داستان بودن؟

پاسخ: تصور بکنید که منظورمان از پریان همان اجنه هستند و به هر حال این رو هم نگوئیم، اجنه و شیاطین، حتما دسته چهارمی هستند که در زمین زندگی می کنند.

۷۶. شما تئوری انسانهای نخستین رو مکرر رد کردید و موارد نقض آوردید. یعنی این موجودات، روی زمین نبودند؟ و دایناسورها و شرایط زمین در زمان آنها، از کودکی جزو سوالات ذهنی من بود و نسبت زمانی ش با حضرت آدم و روایت انسان.

پاسخ: عرض کردیم که اگر هم انسان دو پایی در زمین بوده است به آن شکلی که در تاریخ تمدن ها از آن ها گزارش می دهند که من معتقدم نمی توانند گزارش بدهند؛ این ها نسناس اند نه فرزندان آدم یا آدم(ع).

۷۷. در جلسه پانزدهم فرموده بودید که تمامی خزاین در نزد خداوند است و آن چیزی که ابلیس ارائه میکنه چیزی جز فریب نیست من این جمله را کنار این می گذارم که خداوند می فرماید به برخی کافران و گمراهان تا لحظه مرگ نعمتهای فراوان میدهم تا بر عذابشان بیافزاید استنباط من از این دو این است که شیطان وسوسه میکنه و اگر چیزی ارائه میکنه وهم و فریب است حالا اگر بیاد باغ هاراپر بار تر بکنه به کسی که مشکل داره مزده بچه بده و از این دست ... اینها کجاش فریب است ... واقعیت است پس اینجوری شیطان قدرت فراوان داره و این یعنی ما برخی چیزها را به او نسبت میدیم در حالیکه خداوند قادر مطلق است آیا در قرآن اشاره به قدرت شیطان به غیر از توانایی اش در وسوسه ، شده است؟

پاسخ: ابلیس از خداوند تقاضای یک سری قدرت ها و توانایی ها را کرد و خداوند تعدادی از آن ها را به او داد. در قرآن کریم به برخی از آن ها اشاره شده است مثل این که به او قدرت داد تا در نطفه انسان ها شراکت داشته باشد و نسل آن ها را آلوده کند یا در مال و اموال آن ها شراکت کند و آن را آلوده کند (سوره اسراء آیه ۶۴) همچنین به شیطان قدرت تغییر در خلقت برخی چیزها داده شده (سوره نساء آیه ۱۱۹) از این آیات که بگذریم ما میدانیم که شیطان جزو اجنه است و اجنه موجوداتی واقعی هستند که قدرت های ماورائی و سحرآلود دارند و این قدرت ها در فیزیولوژی خلقتی

آن‌ها وجود دارد. مثلاً اینکه آن‌ها جسم لطیف اثیری دارند و همین باعث می‌شود که بتوانند قدرت‌هایی فوق‌قدرت مادی انسان و بشر داشته باشند (البته که قدرت روح الهی انسان به مراتب از آن‌ها بالاتر و برتر است) به علاوه که شیاطین و اجنه موجوداتی با قدرت‌های واقعی و طبیعی هستند پس همانگونه که انسان‌ها توانایی ساختن یک وسیله را دارند شیاطین و اجنه نیز توانایی ساختن وسیله‌ها و انجام دادن کارهای طبیعی دارند. به همین خاطر در برخی روایات ما نیز اشاره شده که برخی وسیله‌ها در طول تاریخ تمدن‌های کفرآمیز توسط شخص ابلیس و شیاطین ساخته شده. نکته سوم این است که نسبت داده شدن یک امر یا یک کار به شیطان حتماً به معنای مباشرت شیطان در آن کار نیست. همانطور که می‌دانیم شیاطین و ابلیس برای انجام برخی مقاصد خودشان از انسان‌ها کمک می‌گیرند و از طریق وسوسه و تسلط معنوی بر آن‌ها کارهای خود را به نتیجه می‌رسانند. در روایتی از امام علی علیه السلام می‌خوانیم که برخی از انسان‌ها دست یا چشم شیطان هستند که شیطان به واسطه آن‌ها کارهایش را انجام می‌دهد. در چنین مواردی هم نسبت دادن اصل کار به ابلیس و شیطان هیچ‌منع و محذوری ندارد و می‌توان اصل کار را به ابلیس نسبت داد. نکته چهارم این است که خداوند متعال برای برقرار کردن انتخاب آزادانه و اختیار تام برای انسان‌ها و هدایت واقعی، باید بستر انتخاب و اختیار تام را برای انسان مهیا کند. اختیار تام زمانی معنا دارد که دو مسیر واقعی با شرایط مساوی پیش روی انسان‌ها قرار بگیرد. حال تصور کنیم اگر خداوند به ابلیس قدرت واقعی نداده باشد چگونه شرایط مساوی برای مسیر الهی و مسیر شیطانی برقرار خواهد شد؟! اگر از طرفی انبیاء قدرت معجزه و کارهای خارق‌العاده داشته باشند اما شیاطین هیچ قدرتی نداشته باشند این شرایط کاملاً نابرابر خواهد بود و اختیار تام و انتخاب آزادانه کاملاً بی‌معنا خواهد بود. بنابراین خداوند به شیطان هم قدرت‌های محدودی را عطا کرده است تا دو مسیر واقعی پیش روی انسان وجود داشته باشد و او با اختیار و انتخاب خودش به تعالی برسد. نکته پنجم این است که منظور از اینکه وعده‌های شیطان و وسوسه‌های او چیزی بجز فریب و دروغ نیست به این معنا نیست که اثرات واقعی نداشته باشد بلکه وسوسه‌ها و وعده‌های شیطان فقط جهت عمل و کردار انسان‌ها را عوض می‌کند و آن‌ها را به سمت باطل سوق می‌دهد اما همین حرکت به سمت باطل و طاغوت اثرات کاملاً واقعی دارد. مثلاً شیطان به انسان وعده می‌دهد که با انجام فلان کار لذت می‌برد در حالی که لذت را در نگاه او تغییر داده و او لذت باطل و زودگذر را به او نشان می‌دهد نه لذت واقعی و دائمی را. یا مثلاً به انسان وعده می‌دهد که با استفاده از مال حرام پول دار می‌شود در حالی که این پول دار شدن کاملاً زودگذر و مقطعی است و خداوند مال حرام را پایدار قرار نداده است. قدرت وسوسه‌ای که شیطان دارد می‌تواند با استفاده از آن تخیلات و توهمات

انسان و امیال او را کاملاً تحت تاثیر خودش قرار دهد و باعث شود که انسان واقعیت ها را کنار بگذارد و با تزیینات ابلیس نگاه شیطانی به دنیا پیدا کند.

۷۸. در جلسات اول گفته شد موجوداتی خلق شدند که در پشت و میان قرار گرفتند. منظور از پشت و میان چیست؟

پاسخ: منظور گویا زمین است. یعنی پشت و میان زمین قرار گرفتند این موجودات.

۷۹. به نظر شما میان "فاصله چهل ساله میان خلق جسم حضرت ادم و دمیده شدن روح" و به بعثت رسیدن انبیا در چهل سالگی و همچنین پختگی انسان ها در این سن رابطه ای هست؟

پاسخ: خیلی این حرف را گفته اند که سن چهل، سن ثبات شخصیت انسان هاست. چون مشهور هم هست من تحقیقی نکردم که خودم به نظر برسم اما اعتماداً به بسیاری از اساتید می توانیم این را بپذیریم و بهش عمل بکنیم.

۸۰. در جلسه اول فرمودید ۳ دسته موجود بودند : فرشتگان، پریان، نسناس سرنوشت نسناس ها چه شد و آفرینش جنیان چه زمانی بود؟ بعد از نسناس ها بود؟

پاسخ: گفتیم که نسناس ها منقرض شده اند. آفرینش جنیان خیلی قبل تر از انسان بوده است اما این که بعد از نسناس بوده است یا قبلش، هیچ گزارش تاریخی ای برای رد یا تاییدش، در اختیار نداریم.

۸۱. لوح محفوظ چیست؟

پاسخ: آن حقیقت معنوی ای است که خدا در آن، اتفاقات رو ثبت و ضبط می کند که برخی از آن ها لوح اثبات است که با اراده ما، توبه و بعضی از کارها قابل تغییر است و برخی هم غیر قابل تغییر است و در اختیار خداوند اداره می شود.